

نهال شانی نوری در آرامگاه قهرمان ملی



هارون مجیدی

برنامه نهال شانی نوری از طرف بنیاد شهید احمدشاه مسعود در پنجشیر برگزار گردید.
در این برنامه که روز پنجشنبه در آرامگاه قهرمان ملی کشور در ولایت پنجشیر برگزار شده بود، به شمول رهبری بنیاد شهید مسعود، شماری از نخبگان سیاسی و مردمی پنجشیر، کاپیسا و پروان اشتراک کرده بودند.
آنان یک هزار اصله نهال در جوار آرامگاه قهرمان ملی کشور غرس کردند.
احمدولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید احمد شاه مسعود در سخنان افتتاحیه برنامه نهال شانی...

ادامه صفحه ۷

یک ماه بعد از حادثه طبیعی در پنجشیر خطر پابرجاست؛ دههاتن مهاجر شده‌اند



صفحه ۶

وزیر ارشاد، حج و اوقاف:

قاتلان فرخنده علنی اعدام شوند

وزیر ارشاد، حج و اوقاف کشور می‌گوید افرادی که در قتل وحشیانه فرخنده دست داشته‌اند، باید در برابر مسجد شاه دوشمشیره به دار آویخته شوند.
او به طلوع نیوز گفته است که در حقیقت قاتلان فرخنده، قرآن شریف را زیر پا کرده و آتش زده‌اند. فیض محمد عثمانی گفت که اگر او صلاحیت می‌داشت، قاتلان فرخنده را پس از تحقیقات و بررسی‌ها، علنی در مقابل مسجد شاه دو شمشیره اعدام می‌کرد.
پیش از این، اعضای مجلس سنا، اعضای جامعه مدنی و شهروندان کشور در نشست‌هایی خواهان اعدام قاتلان فرخنده شدند.
در این حال، کمیسیون حقیقت یاب بررسی قتل

فرخنده می‌گوید که تحقیقات انجام شده از سوی ارگان‌های کشفی و امنیتی در خصوص این رویداد نشان می‌دهد که فرخنده قرانکریم را آتش زده و نه اراده این کار را داشته است.
خپلواک صافی یک عضو این کمیسیون گفت که عاملان اصلی قتل فرخنده چهارتن از متولیان و ملنگان زیارت شاه دو شمشیره است که سه تن شان بازداشت شده.
آقای صافی می‌گوید، اعضای کمیسیون حقیقت یاب با متهمان بازداشت شده دیدارهایی داشته و آنان گفته اند که سوزاندن قرانکریم را توسط فرخنده به چشم ندیده‌اند.
وی گفت که بررسی پرونده چگونگی قتل فرخنده از



سوی ارگان‌های کشفی تکمیل شده است.
او تصریح کرد: دیروز این پرونده رسماً به دادستانی کل راجع شده است؛ اما به دلیل این که روز پنجشنبه و جمعه رخصتی بود، از...
ادامه صفحه ۷

غنی به پاکستان:

بیایید که باهم شنا کنیم تا غرق نشویم



گفت: «من محتاطانه خوش‌بین هستم که یک پروسه تحول و تغییر بنیادی را شروع کرده ایم.»
رییس جمهور افغانستان با ابراز این که هر دو کشور برای پایان بخشیدن به دشمنی ۱۳ ساله تلاش می‌کنند، گفت باور دارد که برای دفع حمایت از شورشگری طالبان افغانستان، بهبود مناسبات با پاکستان کلیدی اس ت....
ادامه صفحه ۷

داکتر عبدالله: حکومت وحدت ملی شکست نخواهد خورد



عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی می‌گوید آثانی که در انتظار سقوط حکومت وحدت ملی اند، به صورت کامل مایوس خواهند شد.
آقای عبدالله در مورد نگهداری ۹۸۰۰ سرباز امریکایی تا پایان سال جاری در افغانستان و تاثیر آن بالای امنیت کشور گفت: این نیروها به صورت کل شیوه حمایتی را در پیش گرفته‌اند و پایگاه‌های...
ادامه صفحه ۷

در برگ ها



حلقه‌های
مفقوده
سخنرانی
در کانگرس



اهمیت
شناخت
هویت انسان



رویکردی
کلامی
به مسأله
شر
در هستی



استقبال
پرشور
مهاجرین
افغانی از تیم
ملی

احمد عمران



سخن ماندگار

از صلح کزنی تا صلح غنی

همان‌طور که انتظار می‌رفت، رییس‌جمهور غنی در واشنگتن به تفصیل از صلح با طالبان گفت؛ با وجود این اما انتظار نمی‌رفت که او تا سرحد «پوزش‌طلبی» از طالبان پیش برود! او در این سفرش اظهار داشت که برخی از اعضای طالبان، شکایت‌های مشروعی از شکنجه و بی‌عدالتی داشته‌اند که به این اساس می‌باید از آن‌ها معذرت‌خواهی شود.

این اظهارات رییس‌جمهور غنی هرچند از موضعی انسانی قابل قدر است، اما هیچ شکی نیست که بیشتر از آن‌که از سر ارزش‌های انسانی و حقوق بشری باشد، تاکتیکی سیاسی در راستای پروسه صلح تازه‌تأسیس است. چه این‌که واضح است که اگر او به مسأله مرآوده با زندانیان و محبوسین اهمیتی قایل می‌بود، باید چنین موضعی را در قبال همه مردم افغانستان و نه تنها طالبان اتخاذ می‌کرد. از سوی دیگر، سکوت منزجرکننده او در قبال مسایلی چون «شکنجه و قتل و به آتش کشیدن» علنی فرخنده در چندصدمتری ارگ ریاست‌جمهوری و یا اسارت‌ها و گروگان‌گیری‌های روزافزون در این سرزمین، دال مبرهنی بر سیاسی بودن موضع اخیرش مبنی بر پوزش‌طلبی از طالبان است.

سخن گفتن از رفت و گذشت در برابر طالبانی که انگشت رای‌دهندگان رییس‌جمهور غنی را بریده‌اند و روزانه سرهای بسیاری را فقط به جرم زیستن در این مرزوبوم از بدن جدا می‌کنند، هرچند شاید برای رییس‌جمهور، ساده و خوش‌یمن و جایزه‌آور باشد، اما برای مردمی که روزانه به جرم گناه ناکرده از آن‌ها آسیب می‌بینند، کار دشواری است.

تفاوت رییس‌جمهور غنی با رییس‌جمهور سلفش در این پوزش‌خواهی شاید این باشد که وقتی رییس‌جمهور کزنی در برابر برادر ناراضی‌اش سر خم می‌کرد، از آن‌ها همواره می‌خواست که دیگر سلاح بر زمین بگذارند و به مردم آسیب نرسانند؛ در حالی که رییس‌جمهور غنی با این پوزش‌طلبی، بار ملامت را یک‌سره بر دوش کشید و طالبان را در موضع حق و حقانیت قرار داد بی‌آن‌که اندکی از رنج‌ها و شکنجه‌هایی که آن‌ها همه‌روزه بر مردم زجر دیده افغانستان تحمیل می‌کنند، گله کند!

رییس‌جمهور غنی هرچند در این اظهاراتش تأکید کرد که از موضع قدرت با طالبان وارد مذاکره خواهد شد، اما این‌گونه پوزش‌طلبی در برابر کسانی که هنوز بر مردم افغانستان سلاح می‌گیرند، در حقیقت عکس این مسأله را نشان می‌دهد. پوزش‌طلبی از طالبانی که هم از یک‌سو بیانیه صلح می‌دهند و ادعای میراث دارند و هم از سوی دیگر، روزانه در کوچه و بازار و مسجد و شاهراه دهشت می‌آفرینند، شاید چیزی جز استهزای ملت رنج‌دیده افغانستان نباشد.

شکی نیست که حالا دیگر مسأله صلح با طالبان برای رییس‌جمهور غنی و همه مردم افغانستان، موضوعی حیاتی پنداشته می‌شود. این مسأله اما به معنای تداوم سیاست تقصیر رییس‌جمهور پیشین در برابر طالبان نیست. رییس‌جمهور غنی باید به‌خوبی بداند که با تمام خوبی‌ها و محاسنی که صلح دارد، نمی‌توان و نباید برای دست یافتن به آن از هر خط قرمزی عبور کرد.

مشکل رییس‌جمهور غنی این است که او بر اساس گفته‌های صریحش، می‌خواهد برای مصالحه با طالبان، به پرداخت هر بهایی کمتر از جنگ تن دهد. در صورتی که عزت و شرافت مردم افغانستان، استقلال و تمامیت ارضی کشور، قانون اساسی و ارزش‌های انسانی شهروندان این سرزمین، همه و همه خطوط قرمزی‌اند که نمی‌توان حتی در راه صلح پایدار از آن‌ها گذشت؛ ورنه دست یافتن به صلح یا آرامش، با قربانی کردن استقلال کشور و یا به فنا دادن حیثیت و عزت مردم این سرزمین، و یا هم با زیر پا کردن ارزش‌های انسانی و دستاوردهای حقوق بشری افغانستان، هیچ هنری شمرده نمی‌شود!

حلقه‌های مفقوده

سخنرانی در کانگرس

نمی‌تواند به گسست از این پیوند فکر کند. آقای غنی نمی‌داند که طالبان پروژه تعریف‌شده از سوی تندرمان القاعده‌اند که به عنوان ماشین آن‌ها در داخل افغانستان تمرکز یافته‌اند. حال پرسش این‌جاست که سفر امریکا چه قدر موفقیت‌آمیز و در راستای اهداف مهم برای افغانستان بود؟

اگر از این سفر دو موضوع را بیرون بکشیم، فکر نمی‌شود که بتوان به سفر امریکا به عنوان سفری پُردستاورد نگاه کرد. یک: اعلام کمک اقتصادی به افغانستان؛ و دوم: باقی ماندن سربازان امریکایی تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی. به جز این دو مورد، آقای غنی نتوانست هویت و جایگاه افغانستان را در فصل تازه مناسبات با امریکا و جامعه جهانی بازتعریف کند. او نتوانست بگوید که کشورش هنوز درگیر سیاه‌ترین نیروهایی است که می‌خواهند آن را به عقب ببرند. او از فرخنده حتی یاد هم نکرد. او نگفت که به کشوری تعلق دارد که افراد به جرم حتا دعوت‌گری دینی مورد خشم مردان قرار می‌گیرند و سوختانده می‌شوند. آقای غنی به امریکایی‌ها نگفت که افغانستان آن کشوری نیست که در روزهای نخست فروپاشی طالبان وعده کرده بودید آن را می‌سازید. آقای غنی از مشکلات مردمی که هر روز قربانی می‌دهند و محتاج یک لقمه نان حلال اند، حتا سخن نگفت. او نگفت که مردم افغانستان دیگر نمی‌توانند این همه مصایب و مشکلات را تحمل کنند و منتظر باشند که چه زمانی دوستان بین‌المللی به اهداف درازمدت خود در منطقه دست پیدا می‌کنند.

اعاده رابطه با امریکا و دیگر کشورهای غربی برای افغانستان اهمیت دارد، اما این اهمیت تنها زمانی معنا می‌یابد که افغانستان به هدف‌های کلان خود در عرصه خودکفایی دست پیدا کند. چرا آقای غنی در کانگرس امریکا از وضعیت ارتش و پولیس کشور یاد نکرد؟ چرا نگفت که نیروی ۳۵۰ هزار نفری ارتش، به امکانات و تجهیزات لازم و مدرن نیاز دارند تا بتوانند از پس مشکلات و چالش‌های امنیتی بیرون شوند؟ شاید برخی‌ها فکر کنند که حضور آقای غنی در کانگرس امریکا کفایت می‌کند که وجهه کشور را در سطح جهانی ارتقا دهد، ولی آن‌ها فراموش می‌کنند که افغانستان زمانی به ارتقای چنین وجهه‌ی می‌رسد که رهبران آن بتوانند به نماینده‌گی از مردمش، تصویر روشنی از وضعیت، نیازها و خواست‌ها ارایه کنند و رابطه آن را با کشورهای جهان در راستای منافع آن تأمین سازند.

بر زبان نیاورد. او نگفت که ظرف شش‌ماه که از عمر دولت وحدت ملی می‌گذرد، حتا نتوانسته که کابینه حکومت خود را بسازد. او به عواملی که افغانستان هنوز درگیر جنگ و نابه‌سامانی است، هیچ اشاره‌ی نداشت. شاید برای آقای غنی شش‌ماه اخیر و شش‌ماه پیشتر از آن که با مشکلات انتخابات گذشت، بخشی از تاریخ سیزده‌ساله کشور به شمار نمی‌روند. آقای غنی از نظام انتخاباتی کشور خود هیچ حرفی به میان نیاورد و نگفت که این نظام انتخاباتی که اتفاقاً مورد حمایت غرب نیز قرار دارد، برای افغانستان فاجعه‌بار بوده است.

آقای غنی در بخش دیگری از سخنان خود به پروژه صلح دولت اشاره کرد و از طالبان خواست که از القاعده جدا شوند و به افغانیت خود برگردند. آقای غنی گفت در صورتی که طالبان رابطه خود با القاعده را قطع کنند، می‌توانند وارد ساختار کشور شوند. اما آقای غنی نگفت که طالبان چه‌گونه باید رابطه خود با القاعده را مورد بازنگری قرار دهند و آیا واقعا چنین اقدامی عملی است.

وقتی سخنان آقای غنی را در کانگرس امریکا می‌شنیدم، به یاد سخنان آقای کزنی می‌افتادم که او نیز از طالبان می‌خواست که «افغانی» شوند و «افغانی» ببندیشند. آقای کزنی نیز تا آخرین روزهای مأموریت خود در افغانستان بر جدا شدن طالبان از القاعده تأکید می‌ورزید. سخنان آقای غنی، چیزی فراتر از حرف‌های آقای کزنی نبودند. رویکرد او نیز در برابر گروه‌های هراس‌افکن، همان رویکرد آقای کزنی است. آقای غنی نمی‌داند که گروه طالبان به عنوان بخشی از ایدئولوژی القاعده عمل می‌کند و

اشرف‌غنی رییس‌جمهوری کشور در ادامه سفرش به امریکا در کانگرس این کشور سخنرانی کرد؛ سخنرانی‌یی که به باور بسیاری از آگاهان سیاسی، با استقبال گرم و کم‌نظیر اعضای کانگرس روبه‌رو شد. آقای غنی در این سخنرانی که عمدتاً مصرف خارجی و به‌ویژه امریکایی داشت، تلاش کرد که نشان دهد سیاست‌مداری هوشیار و حساس نسبت به وضعیت است. آقای غنی از دستاوردهای افغانستان در این سخنرانی یاد کرد که به گفته او، در همکاری با جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا به دست آمده است. آقای غنی به مسایل امنیتی، اقتصادی، سیاسی، وضعیت زنان و کودکان اشاره کرد و گفت که کشورش در این سال‌ها در این زمینه‌ها به دستاوردهایی نایل شده که بدون همکاری امریکا امکان‌پذیر نبوده است. او در تمام سخنرانی خود، نقش امریکا را برجسته نشان داد و از قربانی‌های سربازان امریکایی در افغانستان سپاس‌گزاری کرد. اما اکنون باید گفت که چه مسایلی مورد غفلت رییس‌جمهوری قرار گرفتند که می‌توانستند برای افغانستان مهم باشند.

آقای غنی در تمام سخنرانی بلندبالای خود در کانگرس امریکا، میان گذشته و آینده در رفت‌وآمد بود. او گاهی به گذشته پیش از حکومت‌داری خود اشاره می‌کرد و گاهی به آینده افغانستان که در همکاری با جامعه جهانی می‌تواند محقق شود. آقای غنی در هیچ بخش از سخنرانی خود، مکث قابل توجه به مقطع کنونی کشور نداشت. او نگفت که ظرف یک سال اخیر، افغانستان با چه مشکلاتی دست‌وپنجه نرم کرده و چه آزمون‌هایی را از سر گذرانده است. او از شش‌ماه حکومت‌داری خود در افغانستان سخنی



سال ۲۰۱۴ برای فلسطینی‌ها فاجعه‌بار بود



در گزارش جدید سازمان ملل سال ۲۰۱۴ سالی فاجعه‌بار برای فلسطینی‌ها رقم خورده است چرا که تداوم اشغال‌گری‌ها، توانایی مردم فلسطینی را برای داشتن یک زندگی عادی به شدت تضعیف کرده است.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، در گزارش جدید سازمان ملل با عنوان «زندگی متزلزل» آمده است: ۱/۸ میلیون تن از ساکنان غزه در جریان درگیری میان نیروهای مقاومت با اسرائیل خشونت‌های خصمانه رژیم صهیونیستی را تجربه کردند و این درگیری‌ها بیش از یک هزار و ۵۰۰ کشته برجای گذاشت که بیش از ۵۵۰ تن آن‌ها را کودکان فلسطینی تشکیل می‌دادند. علاوه بر این ۱۰۰ هزار تن از ساکنان غزه نیز به خاطر درگیری‌های مداوم اسرائیلی‌ها خانه‌های خود را از دست دادند.

همانگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در سرزمین‌های اشغالی در گزارش سالانه خود آورده است: در بحبوحه این درگیری‌های خصمانه و تداوم محاصره غزه، جنگ ۲۰۱۴ برای میلیون‌ها تن از فلسطینی‌ها ساکن سرزمین‌های اشغالی فاجعه‌بار بود.

وی ادامه داد: سال گذشته میلادی یکی از وحشتناک‌ترین و زیان‌بارترین سال‌ها برای فلسطینی‌های ساکن غزه و کرانه باختری به شمار می‌رود.

در گزارش سالانه سازمان ملل همچنین آمده است: تلاش‌های این سازمان برای بازسازی غزه در پی جنگ ۵۱ روزه اسرائیل در این منطقه محاصره شده به کندی پیش می‌رود و تداوم محاصره و نبود کمک‌های مالی بر این روند تأثیر مخربی گذاشته است.

ماه گذشته میلادی هماهنگ‌کننده کمک‌های

بشردوستانه سازمان ملل در سرزمین‌های اشغالی برنامه واکنش استراتژیک ۲۰۱۵ دفتر امور هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل را ارائه کرد که بر مبنای آن ۷۰۵ میلیون دالر برای کمک به میلیون‌ها سکنه غزه و کرانه باختری در نظر گرفته شده است. با این حال بسیاری از موارد کنونی در سرزمین‌های اشغالی و تداوم اشغال‌گری اسرائیل مشکلاتی را بوجود آورده و باعث طولانی‌تر شدن این مشکلات شده است.

در ادامه این گزارش همچنین به کمبود و فقدان حمایت‌کنندگان مالی برای این برنامه اشاره شده است که در نتیجه آن احتمال تداوم بی‌خانمانی بیش از ۲۲ هزار سکنه مناطق تحت

محاصره اسرائیل وجود دارد. علاوه بر این بیش از ۱ / ۶ میلیون تن از ساکنان سرزمین‌های اشغالی با کمبود آب آشامیدنی، سرویس‌های بهداشتی و مواد غذایی مواجه هستند. علاوه بر این خدمات درمانی و آموزشی نیز در زمره این کمبودها برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی قرار دارد.

همانگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در سرزمین‌های اشغالی ادامه داد: ۱۲۱۵ فلسطینی در پی تخریب منازلشان بی‌خانمان شدند و همزمان با تداوم فعالیت‌های شهرک‌سازی احتمال افزایش بی‌خانمان‌های فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی وجود دارد.

پاکستان به هرگونه تهدید علیه عربستان واکنش نشان می‌دهد



دفتر نخست وزیر پاکستان اعلام کرد، اسلام آباد به هرگونه تهدید علیه عربستان به شدت واکنش نشان می‌دهد.

به گزارش رویترز، نواز شریف، نخست وزیر پاکستان در جریان نشستی بلندپایه در اسلام آباد گفت: پاکستان روابط بسیار دوستانه و نزدیکی با دولت ریاض و سایر کشورهای عضو شورای همکاری حوزه خلیج فارس دارد.

عربستان و متحدانش در حوزه خلیج فارس عملیاتی نظامی را شامل حملات هوایی روز پنجشنبه در یمن کرده‌اند.

دفتر نواز شریف ادامه داد: در این نشست مشخص شد که هرگونه تهدید علیه عربستان با واکنش سریع و شدید از جانب اسلام آباد پاسخ داده می‌شود.

در بیانیه دولت پاکستان آمده است: اسلام آباد امروز (دیروز) هیاتی متشکل از مقام‌های نظامی خود را به ریاض اعزام می‌کند. دفتر وزارت امور خارجه پاکستان همچنین اعلام کرده که درحال بررسی درخواست دولت ریاض برای اعزام نیرو از جانب دولت اسلام آباد به یمن است.

انتقاد پیونگ یانگ از برنامه امریکا برای استقرار سامانه موشکی در کره جنوبی



وزارت امور خارجه کره شمالی برنامه امریکا را برای استقرار سامانه دفاع موشکی «تاد» در کره جنوبی مورد انتقاد قرار داد.

به گزارش خبرگزاری کی‌سی‌ان‌ای، وزارت امور خارجه کره شمالی در بیانیه‌ای آورده است: امریکا که هم اکنون در حال انجام آزمایش‌های مشترک با کره جنوبی و علیه کره شمالی است، می‌خواهد تا اقدامات شدیدتری را در قبال پیونگ‌یانگ انجام دهد و تنها هدفش افزایش تنش در شبه جزیره کره است. بنابراین به دنبال استقرار سامانه دفاع موشکی تاد در کره جنوبی است.

در ادامه این بیانیه آمده است: امریکا با استقرار این سامانه دفاع موشکی خودش را برای جنگی علیه کره شمالی آماده می‌کند و اگر این سامانه دفاع موشکی در کره جنوبی مستقر شود دوره جدیدی از جنگ سرد شمال شرق آسیا و شبه جزیره کره را دربرمی‌گیرد و یک بار دیگر ما شاهد صحنه‌ای از جنگ میان قدرت‌های بزرگ خواهیم بود.

این در حالی است که اشتون کارتر وزیر دفاع امریکا قرار است اوایل آوریل سال جاری میلادی و در بحبوحه تنش‌ها برای استقرار این سامانه دفاع موشکی به کره جنوبی سفر کند.

رییس جمهوری فراری یمن وارد عربستان شد



همزمان با دومین روز حملات هوایی عربستان سعودی به مواضع انصارالله (حوثی‌ها) در یمن، عبد ربه منصور هادی رییس جمهور فراری یمن وارد ریاض، عربستان شده است.

به گزارش شبکه خبری بی‌بی‌سی، از روز چهارشنبه که عبد ربه منصور هادی رییس جمهور فراری یمن همزمان با پیشروی حوثی‌ها به عدن این شهر را ترک کرد، نخستین بار است که اخبار رسمی درباره موقعیت رییس جمهوری یمن منتشر می‌شود.

وی در بدو ورود به ریاض مورد استقبال وزیر دفاع عربستان سعودی قرار گرفت.

به گفته مقام‌های رسمی، رییس جمهور فراری یمن قرار است از ریاض عازم شرم‌الشیخ شود تا روز شنبه در نشست سران اتحادیه عرب در مصر حضور یابد.

حملات هوایی عربستان سعودی علیه آنچه مواضع حوثی‌ها می‌نامند چهارشنبه شب آغاز شد و ایران این اقدام ریاض را «خطرناک» توصیف کرده است.

به گفته مقام‌های ریاض، ۹ کشور دیگر در این ائتلاف علیه حوثی‌ها همراه عربستان سعودی هستند.

کشورهایی که با اعزام هواپیما به عربستان سعودی در این عملیات حضور دارند کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، اردن، سوئد، و مراکش هستند. همچنین مقام‌های ریاض می‌گویند، رهبران مصر، اردن، سوئد و پاکستان از آمادگی برای اعزام نیروی زمینی به یمن خبر داده‌اند.

سرهنگ احمد عسیری سخنگوی نیروهای مسلح عربستان سعودی گفته است در شرایط کنونی نیازی به عملیات زمینی در خاک یمن نیست و عربستان برای انجام حمله زمینی به مواضع حوثی‌ها و واکنش به هرگونه اقدام آنها آمادگی دارد.

لاوروف:

بازی بر سر اختلافات شیعه و سنی در یمن بسیار خطرناک است

وزیر خارجه روسیه بر ضرورت از سرگیری مذاکرات در یمن به منظور حل و فصل بحران این کشور تأکید کرد.

به گزارش سایت النشره، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در کنفرانس خبری در پایان سفرش به گوآتمالا تأکید کرد: تنها راه حل بحران یمن مذاکره است.

وی افزود: بازی بر سر اختلافات شیعه و سنی در یمن بسیار خطرناک است.

وی تأکید کرد: مسکو بر از سرگیری مذاکرات فرستاده سازمان ملل به یمن تأکید دارد و امیدوار است که دیگر کشورها نیز برای حل بحران یمن مانند روسیه عمل کنند.

وزیر خارجه روسیه افزود: مسکو شش ماه پیش بیانیه بین‌المللی فراگیری را پیشنهاد کرد که درباره عدم دخالت در امور کشورها و نیز عدم پذیرش تغییر دولت‌ها از طریق کودتاها بود.

وزیر خارجه روسیه از اقدامات آمریکا و معیارهای دوگانه آن در قبال بحران یمن و بحران سیاسی اوکراین انتقاد کرد.

لاوروف در پایان تأکید کرد: واشنگتن از عبدربه منصور هادی رئیس جمهور مستعفی یمن حمایت کرد اما از رئیس جمهور سابق اوکراین هیچ حمایتی نکرد.



پنجشنبه شب و در دومین شب حملات، جنگنده‌های عربستان سعودی بار دیگر مواضع حوثی‌ها در صنعاء، پایتخت یمن و یک پایگاه هوایی در نزدیکی شهر عدن را بمباران کردند. گزارش‌هایی درباره تلفات غیرنظامی این حملات منتشر شده است.

عربستان سعودی می‌گوید، این حملات در «دفاع از مشروعیت دولت» عبد ربه منصور هادی رییس جمهوری فراری یمن صورت می‌گیرد.

ریاض یاسین وزیر خارجه یمن به الجزیره گفته است که هادی در نشست شرم‌الشیخ برای رهبران عرب وضعیت کشور و نیز ضرورت حمایت بیشتر از کشورش را بررسی خواهد کرد.

او افزود: یمن به کمک‌های بیشتر برای حمایت از اقتصادش امیدوار است چرا که اقتصاد یمن در آستانه فروپاشی قرار دارد. وزیر خارجه یمن ضمن استقبال از عملیات عربستان علیه کشورش افزود: این عملیات تا زمان دوباره روی کار آمدن نظام قبلی ادامه خواهد داشت.

بخش دوم و پایانی

راه‌ها ساکت کردن مغز و کاهش استرس

۴- پس به عقیده شما، «حضور در لحظه» به ساکت کردن صداهای مغز کمک می‌کند؟

نمی‌دانم که واقعاً بتوانید صداهای مغز را خاموش کنید. اما می‌توانید به روشی متفاوت و جدید با آن ارتباط برقرار کنید. شاید نتوانید صداهای مغز خود را خاموش کنید، اما اگر جادوی «در لحظه زنده‌گی کردن» را بدانید، می‌توانید از همان ابتدا که قرار است افکار بیهوده به ذهن‌تان هجوم بیاورند، آن‌ها را در نطفه خفه کنید. زیرا می‌دانید که این افکار، هیچ نتیجه مثبتی در بر نخواهند داشت.

۵- یکی از مواردی که شما در کتاب خود اشاره کرده‌اید و به شدت آن را سرزنش کرده‌اید، انجام چند کار هم‌زمان است! وقتی مغز انسان می‌تواند به راحتی چند کار را انجام دهد، چرا فقط باید یکی را انتخاب کند و انجام دهد؟

کمپیوترها چندین پردازنده دارند و به همین دلیل به راحتی چند کار را هم‌زمان به انجام می‌رسانند. اما انسان فقط یک پردازنده مغز دارد، به همین دلیل نباید به طور هم‌زمان چند کار از آن خواست. درست است که توان انجام آن را دارد، اما مطمئن باشید کارهای موازی و هم‌زمان با کیفیت پایین انجام می‌شوند. اما وقتی در لحظه فقط روی یک کار تمرکز می‌کنید، هم سرعت‌تان بیشتر می‌شود و هم با کیفیت بالاتر آن را به انجام می‌رسانید.

۶- در کتاب‌تان نوشته‌اید: «شما با مدیتیشن می‌توانید ذهن‌تان را بتراشید و تندیس زیبایی از آن بسازید، درست همان‌طور که با ورزش، اندام خود را زیبا می‌کنید»، آیا این دو مسأله واقعاً شبیه هم هستند؟

مطالعات علمی متعددی ثابت کرده‌اند که نقاط کلیدی مغز انسان به واسطه مراقبه و مدیتیشن فعال می‌شود و می‌تواند استفاده بهینه‌تری از آن‌ها داشت. به طور مثال، در سال ۲۰۱۱ میلادی، دانشگاه هاروارد گروهی از افرادی که تا به حال مدیتیشن نکرده بودند را مورد آزمایش قرار دادند. از آن‌ها خواسته شد تا هر روز زمان کوتاهی را به مراقبه اختصاص دهند. در انتهای دوره ۸ هفته‌یی، در ادامه آزمایش مشخص شد که قسمت‌هایی از مغز که به خودآگاهی و مهربانی افراد مربوط است، رشد داشته است و بخش‌هایی که مربوط به استرس بودند نیز جمع شده‌اند. بنابراین، همچنان ادعا می‌کنم که مدیتیشن می‌تواند فرم مغز را تغییر دهد.

۷- برای مراقبه و تزکیه ذهن و دل، نخستین قدم چیست؟ فقط انجامش دهید. همین که نخستین قدم برای تزکیه را بردارید، باقی چیزها خودشان شما را یاری خواهند کرد. برای این منظور به هیچ جای خاص یا وسیله خاصی نیاز ندارید. مدیتیشن هیچ هزینه‌یی برای شما ندارد. فقط کافی است ۵ دقیقه در روز، به طور کامل ذهن‌تان را به روی همه چیز خاموش کنید. به مدت ۵ دقیقه رها باشید. فکر نکنید. ریلکس باشید.

۸- روش اجرای آن چه‌گونه است؟ خیلی ساده، صاف و بدون قوز بنشینید. چشمان خود را ببندید. البته حتا در حالت درازکشیده یا راه رفتن هم می‌توانید مراقبه کنید. سپس روی دم و بازدم نفس‌های خود تمرکز کنید. روی نقاط مختلفی که این وظیفه را انجام می‌دهند، تمرکز کنید:



بینی، سینه، شکم. به حرکات آن‌ها فکر کنید. سپس ذهن‌تان را از نفس کشیدن جدا کنید، به یک موضوع خاص فکر کنید. سپس دوباره روی تنفس خود تمرکز کنید. به همین ساده‌گی!

۹- شما در کتاب خود نوشته‌اید: «مدیتیشن مانند کافئین است»، منظورتان چیست؟

خب، من این جمله را از مجله WIRED برداشتم. در این مقاله نوشته بود مدیتیشن همچون کافئین جدیدی برای اهالی «سیلیکون ولی» (اهالی فن) است که بسیار هم مورد استقبال آن‌ها قرار گرفته است. همان‌طور که کافئین به کارکرد بهتر مغز کمک می‌کند، مدیتیشن هم می‌تواند کارایی مغز را بهبود ببخشد و موجب کارکرد بهتر آن بشود.



کارآیی آتی چندین‌ساله آن را تصور کرده، منافع آن را در نظر می‌گیرد و شکل و وضع ثمر و باردهی آن را ترسیم می‌کند، آن‌گاه دست به عمل کاشت می‌زند. این کشاورز مراحل کاشت، داشت و برداشت را می‌داند و این دانش، همان حقیقت‌شناسی آن دانه است که کمال و جود آن، پیدایش مزرعه و یا باغ بارآوری است که در آینده نزدیک یا دور به بار و ثمر می‌نشیند. اگر این آگاهی دقیق در کار نباشد، در زنده‌گی بشری هیچ کاری به سامان نمی‌رسد و هیچ کسی دست به هیچ کاری نمی‌زند. چرخ

اهمیت شناخت

هویت انسان

داشته باشیم، به اهداف، اغراض و نقطه کمال وجودی پی می‌بریم.

دانش‌های بشری هم، همه به دور همین محور می‌چرخند؛ به طوری که هر فنی از علوم، آن‌گاه پیشرفته خواهد بود که به شناخت دقیق‌تر موضوعات رسیده باشد و بتواند کشف بیشتری نسبت به خواص و ویژه‌گی‌ها و تأثیرات آن داشته باشد. گیاه‌شناس تا نتواند ماهیت گیاه را بشناسد و به تجزیه و تحلیل وجودی آن پی برد، در تشخیص خواص وجودی و فهم کمال آن ناتوان است. کسی که ماهیت آب را می‌شناسد، می‌داند که کامل‌ترین آب، بی‌طعم، بی‌رنگ و دارای وزن خاص است. البته گاهی این شناخت، با تجربه پی‌درپی در آثار اشیا به دست می‌آید که این روش‌ها، هیچ‌گونه مخالفتی با شناخت هویت اشیا ندارد؛ زیرا با تجربه، ماهیت اشیا را به طور مطلق یا نسبی می‌شناسند و سپس تشخیص می‌دهند که کمال وجودی هر ماهیتی از این دست، چیست و هدف عالی از آفرینش آن کدام است. هر موجودی در عرصه هستی، عهده‌دار کار خاصی در شرایط ویژه‌یی است. ما این نکته را می‌دانیم که از گرگ گوسفند زاییده نمی‌شود و هیچ‌گاه هسته خرما، انگور ثمر نمی‌دهد؛ بلکه هر موجودی، راه ویژه‌یی دارد که برای او خط‌کشی شده و در همان سیر معین حرکت کرده و عمل می‌کند.

وقتی متخصص کشاورزی، دانه خاصی را در دل خاک می‌نهد، در همان مرحله

شناخت کمال هر موجودی به‌ویژه انسان به شناخت هویت آن بسته‌گی دارد، یعنی این‌که در هر حدی توان آشنایی با ماهیت خود را داشته باشیم، به اهداف، اغراض و نقطه کمال وجودی خود پی می‌بریم. کمال هر موجود به فعلیت رسیدن استعدادهای خاصی است که دستگاه آفرینش در آن به ودیعه گذاشته است و شناخت کمال هر چیز، پس از شناخت ماهیت و حقیقت آن شی است؛ چرا که در صورت ابهام، امکان شناخت کمال لایق هیچ چیز ممکن نیست.

خداوند متعال، موجودات را بر حسب حکمت حکیمانه خود متنوع و گوناگون آفریده است. در نظام کارگاه خلقت، هر یک از این موجودات، مهره خاصی است که عهده‌دار کاری در شرایط معینی است؛ آن‌چنان که هرگز کار ویژه هر یک، از دیگری ساخته نیست و باید هر کدام در چارچوب تعیین شده‌یی که از طرف آن حکیم علیم که گرداننده چرخ هستی است ترسیم گردیده، عمل کنند. حذف هر یک از مهره‌های این دستگاه عظیم نیز خسارات غیر قابل جبرانی را به همراه دارد و از آن‌جا که تکرار نیز در عالم هستی غیر ممکن است و هر حد و شکلی، با تمام شرایط وجودی‌اش منحصر به فرد بوده و اثر خاص خود را دارد، هرگز نمی‌توان هدف از وجود هر یک را، از دیگری انتظار داشت. پس کمال‌شناسی تنها به شناخت هویت‌ها بسته‌گی دارد، یعنی در حدی که توان آشنایی با ماهیت اشیا را

منبع: آفتاب

عبدالرشید فکرت بخشی

بخش دوم

دستاوردهای علمی جدید نشان می‌دهد که رخدادهای طبیعی را می‌توان متکی بر روش‌های علمی توضیح داد و نیازی به علت‌های متافیزیکی در توجیه وقایع طبیعی وجود ندارد. به تعبیر دیگر، وقتی علت‌های طبیعی می‌توانند وقایع طبیعی را توضیح و ریشه‌یابی کنند، چه نیازی به علت‌های متافیزیکی در توجیه رویدادهای طبیعی وجود دارد؟ آیا علت‌های متافیزیکی در طول علت‌های طبیعی قرار دارند یا در عرض آن‌ها؟ اگر علت‌های طبیعی و متافیزیکی در طول هم قرار داشته باشند، پس تعارضی نباید در میان باشد؟ در حالی که می‌توان مصادیقی را نشان داد که علت طبیعی و متافیزیکی رویاروی هم دیگر ایستاده‌اند، در این صورت کدام‌یک را باید ترجیح داد؟ این و پرسش‌هایی از این دست را علم جدید فراروی دین‌داران می‌نهد تا پاسخی معقول و پذیرفتنی به دست دهند.

علت‌های طبیعی و علت‌های متافیزیکی را نباید در تقابل و تعارض با هم دید؛ کما این‌که، این دو علت در طول هم قرار دارند و برای نیل به شناخت درست و معرفت عمیق، بایست از تبیین جهان بر مبنای هر دو علت بهره جست. تبیین‌های طبیعی نمی‌تواند موجب بی‌نیازی انسان از تبیین جهان بر مبنای علل متافیزیکی شود. تبیین‌های متافیزیکی با بُعد معنوی انسان نزدیک‌تر است و از قلمرو ذهن به ساحت قلب و معنویت ره می‌برد، درحالی‌که تبیین‌های طبیعی ممکن است در

رویکردی کلامی به مسأله شر در هسته

محدوده عقل باقی بماند و روزنه‌یی به سوی قلب و جنبه‌های معنوی شناخت باز نکند. این امر (تبیین‌های طبیعی نمی‌تواند ما را از تبیین‌های متافیزیکی جهان بی‌نیاز سازد) را می‌توان چنین توضیح کرد که: نظریه موج و ذره و یا ماده و انرژی را که دستاوردی برای علم دانسته می‌شود، نباید به معنای بی‌نیاز شدن آدمی از رویکردهای متافیزیکی به آن‌دو دانست. کاری که علم می‌کند تجربه و تجزیه‌گری اشیا است. این‌که هوا امروز سرد است را باید با تجربه حسی درک کرد، و این‌که، یک مالیکول آب مرکب از دو هایدروجن و یک اکسیجن H₂O است را می‌توان با تجزیه علمی به دست آورد؛ اما پاسخ به مسائلی همچون: آیا نظم حاکم بر ذرات نتیجه تصادف است یا حکمت بالغه الهی؟ آیا تصادفی در جهان وجود دارد؟ اگر وجود دارد، مکانیسم تعمیم آن در کجاست؟ مگر می‌شود نظمی را که با این همه دقت طراحی شده است عبث و بیهوده انگاشت؟ و... بیرون از قلمرو علم است و باید با رویکردی متافیزیکی به آن پاسخ داد.

در یک نگاه کلی می‌توان علل طبیعی و علل متافیزیکی را در طول هم توجیه کرد. شفا یافتن بیماری را می‌توان هم به سبب ادویه، پرهیز، تشخیص درست و... دانست و هم نتیجه اراده الهی. با این توجیه، علت‌های طبیعی در طول علت‌های متافیزیکی قرار می‌گیرند و تعارضی میان آن‌ها نیست. این‌که حوادثی همچون سیلاب، زلزله، آتش‌فشان، بهمین و... دارای علل طبیعی‌اند،

نمی‌تواند به ساعت‌واره شدن جهان و نظم مکانیکی بی‌نیاز از ناظم بینجامد. جهان اگر به تعبیر علامه سلجوقی همچون ساعت کرونومتر نیز باشد - که هر حرکت آن قابل پیش‌بینی و تابع نظم لایتغیری بوده باشد - نیاز به خالق دارد. مکانیکی شدن نظم حاکم بر جهان، دو نتیجه ویرانگر و غیرقابل جبران برای انسان داشت که چنین آمده است:

سرانجام فلسفه طبیعی که در سایه رشد روزافزون علوم مبتنی بر تجربه مقبولیت تام یافته بود، دو نتیجه مابعدالطبیعی به‌بار آورد، یکی اصالت جبر و دیگری اصالت ماده. داده‌های علمی به‌ویژه تفسیر مکانیکی پدیده‌های طبیعی، واقعیت را به‌مثابه ماشینی بزرگ معرفی کرده بودند به‌گونه‌یی که حتا نفس و بدن انسان به جزئی از ضرورت مکانیکی تبدیل شده بود. بر اساس جبرانگاری، طبیعت دستگاهی خودبسنده دانسته می‌شد که همه حوادث آینده‌اش به نحو لایتغیری طبق

منسجمی پیدا کرد و نظریه مکانیکی جهان بر سکوی اندیشه‌های فلسفی تکیه زد. این وضع دوام یافت تا آن‌که لاینبتس دوباره علت غایی را در کنار علت فاعلی قرار داد و توجه به علت فاعلی صرف را در کار توضیح جهان ناکافی دانست. کما این‌که فروغی آورده است:

ولیکن دکارت با پیشینیان و مخصوصاً ارسطو و افلاطون یک اختلاف بزرگ داشت که از علل فقط علت فاعلی را منظور می‌داشت و نظر در علت غایی را لازم نمی‌پنداشت، بلکه ممکن نمی‌دانست. لاینبتس در این‌جا با دکارت مخالف شده گفت: برای این‌که بتوانیم امور جهان را بیان کنیم به علت فاعلی نمی‌توان اکتفا کرد. باید نظر کنیم در این‌که فلان امر چنین واقع شد و قسم دیگر واقع نشد با آن‌که ممکن بود بشود زیرا ذهن ترجیح بدون مرجح را نمی‌پذیرد و هیچ چیز تا واجب نشود موجود نمی‌شود. لاینبتس در



و خداوند سنت‌های تکوینی خودش را نمی‌شکنند و روابط علی‌یی را که وضع کرده است فرو نمی‌ریزد، بلکه برعکس آن را در معرض دید همه‌گان نیز قرار می‌دهد. ژیلسون آورده است:

آن‌ها (بیشتر متکلمین مسلمان) می‌گویند وقتی که انسان اراده می‌کند کاری را انجام دهد و به خیال خود آن را انجام می‌دهد، نخست خود آن اراده و سپس قدرت عمل بر وفق آن و سرانجام خود فعل، همه مخلوق خدا است. به نظر این‌ها تفسیر صحیح این عقیده که: «خدا علت تامه است» همین است.

غالباً منظور ژیلسون متکلمین اشاعره‌اند که تلقی خاصی از علیت دارند. هرچند برخی‌ها گمان برده است که اشاعره قانون علیت را نفی می‌کنند، اما واقعیت این است که آنان علیت را به‌گونه خاصی تفسیر کرده‌اند که با تلقی پیشینیان از علیت متفاوت است. این داوری - داوری در مورد انکار رابطه علی - در مورد اشاعره از آن‌جایی است که تلقی آن‌ها از علیت - چنان‌که ژیلسون توجه داده است - متفاوت از گذشته‌گان بوده و عملاً رابطه علی به معنای متعارف آن را درهم می‌شکنند.

ظاهراً رویکرد اشاعره به مسأله علیت با رویکرد شماری پیروان دکارت و فیلسوفان غربی در باب علت‌های موقعی (اوکیژنال) قرابت تامی دارد و با نگاه بناونتورا (۱۲۷۴-۱۲۲۱م) متکلم اسکولاستیک ایتالیایی که معتقد بود پارسیایی در آن است که هیچ‌چیزی را برای خود ادعا نکنیم بلکه همه‌چیز را به خدا نسبت دهیم نیز بی‌شباهت نیست.

این نوع رویکرد که پارسیایی را در سلب اختیار انسان می‌داند، با روی دادن حوادث طبیعی بیشتر رخ می‌نماید و بی‌پرده می‌شود کما این‌که، انسان‌هایی در مواجهه با حوادث طبیعی چنان نتیجه می‌گیرند که گویی ما فاقد اختیاریم و حضور قدرت و اراده صانع حکیم، جای برای اختیار ما نگذاشته است. این طرز دید با حادثه‌های غیرمنتظره طبیعی که انسان آن‌ها را شر طبیعی می‌انگارد، سر برمی‌کشد، و انسان متناسب با میزان سلب اختیار از خویش، تصور می‌کند که به تقوا و پارسیایی بیشتری دست یافته است.

این تحقیق به همان چیزی رسید که افلاطون و ارسطو می‌گفتند که: هرچه واقع می‌شود برای رسیدن به کمال وجود است یعنی به بهترین وجهی که ممکن است و آن علت غایی اوست.

به هر روی، توجه یک‌سره به علت فاعلی و بی‌اعتنایی به علت غایی باعث شد تا نظم مکانیکی بر جهان فرمانروایی کند و جهان خودبسنده و کافی دانسته شود. در حالی که، حوادث طبیعی نمی‌توانند دارای علت طبیعی صرف باشند، توضیح این حوادث بر اساس علت طبیعی صرف ناپسند و ناکافی است، بلکه می‌توان از علل غایی و متافیزیکی یک‌چنین حوادثی نیز سخن گفت.

علامه سلجوقی به نقل از اسپینوزا آورده است: مردمی که نمی‌دانند، خیال می‌کنند هر وقت که نظم طبیعی در کار است، از سنت خداوند بی‌کار می‌شوند و وقتی خداوند به کار آغاز می‌کند، باید طبیعت کار نکند.

این رویکرد دایر بر رابطه طولی سنت خداوندی و حکمت ازلی اوست؛ کما این‌که نمی‌توان فعال بودن قوانین طبیعی را به معنای بی‌نیاز بودن از اراده و مشیت خداوندی تلقی کرد، بلکه هر یک از سنت و اراده خداوندی در طول هم قرار دارند و قرار دادن این دو در برابر همدیگر توجیه چندانی را برنمی‌تابد.

حوادث طبیعی پیوند انکارناپذیر با نوع خداشناسی انسان‌ها دارد. انسان وقتی خودش را در برابر رویدادهای طبیعی عاجز و ناتوان می‌بیند، به نیرویی فراتر از انسان پناه می‌جوید و تعبد انسانی بر اختیار انسان چیره می‌شود. بشر امروز علی‌رغم سیطره چشم‌گیرش بر طبیعت که با ابزارهای امروزی میسر شده است، هنوز هم در برابر حوادث طبیعی معذور و ناتوان است. شاید همین ناتوانی و نتوانی است که انسان را از ساحت اختیار به محدوده تسلیم عبور می‌دهد و او که در برابر حادثه‌های طبیعی خودش را ناتوان می‌بیند، چاره‌یی جز بازگشت به جبر و تسلیم به خداوند نخواهد داشت. همان تسلیمی که انسان‌ها با اختیار خودشان، و سایر موجودات قهراً به آن تن داده‌اند.

قوانین «ماده متحرک» تعیین شده است.

با این حساب، علم جدید ناگوارترین اثری که بر انسان گذاشت این بود که وی را تابع جبر مکانیکی و فاقد اراده و سلطه معرفی کرد. انسان در این نگاه، همچون پرزهی در نظم مکانیکی عالم قهراً باید عمل کند و هیچ اختیاری در حوادث و رویدادهای واقع‌شده و واقع‌شونده عالم ندارد. نظریه مکانیکی عالم به آن قطعیتی که ظهور کرده بود، باقی نماند و بعدها فیزیک کوانتوم نشان داد که پیش‌بینی‌های علمی چیزی در حد احتمالات است و نمی‌توان حوادث آینده را به‌صورت حتم پیش‌بینی و قاطعانه به آن باور داشت. این مسأله - احتمالی بودن پیش‌بینی‌های علمی - زمانی بود که علم به ناتوانی‌های خودش پی برده بود و قطعیت‌نگری گذشته‌اش را نادرست می‌دانست.

به هر روی، فیزیک جدید نشان داد که نمی‌توان به قطعیت پیش‌بینی‌های علمی مطمئن بود، درحالی‌که در نظریه مکانیکی همه‌چیز به‌طور حتم قابل پیش‌بینی بود و هیچ چیزی نمی‌توانست خارج از دایره مکانیکیت قرار داشته باشد. توجه یک‌جانبه به علت فاعلی باعث شد تا اومانیسیم جدید در مسند تیوکراسی قرون وسطا بنشیند و علت غایی کلامی جایش را به علت فاعلی فلسفه واگذار کند. کما این‌که کاپلستون، یکی از تفاوت‌های بنیادین عصر جدید را با قرون وسطا این‌گونه آورده است:

به تعبیر دیگر، تقابل و اختلافی میان جهان‌بینی مابعدالطبیعه کلامی‌اندیشی که بر علیت غایی تأکید می‌ورزیدند و جهان‌بینی علمای علم طبیعت که در نظر آن‌ها علیت فاعلی، متجلی در حرکت قابل اندازه‌گیری با اعداد و ارقام ریاضی، جانشین علیت غایی می‌شود، مشاهده می‌کنیم.

همین بود که انسان آرام‌آرام از حاشیه به مرکز آمد و سوژه (شناسنده) با ایزه (موضوع شناسایی) یگانه‌گی یافت. کنار رفتن علیت غایی از قلمرو پژوهش‌هایی فلسفی باعث شد تا طبیعت به‌صورت مستقلی موضوع شناسایی قرار گیرد و در ادامه به فلسفه طبیعی منتهی گردد. هرچند عبور از علیت غایی به صوب علیت فاعلی از گذشته‌ها آغاز شده بود، اما با ظهور رنه دکارت در سال ۱۵۹۶ م مبنای محکم و پایه‌های

نظری پریانی

منابع در پنجشیر می گویند که در جلسه‌یی که دیروز در مقر ولایت برگزار شده بود، فیصله گردید که برای دو الی یازده هزار خانواده این ولایت در سال ۱۳۹۴، مواد اولیه توزیع شود.

این خانواده‌ها شامل چند ولسوالی این ولایت، از جمله ولسوالی پریان است که بر اثر ریزش برف کوچ‌ها امکانات زراعتی و مال داری شان را از دست داده اند و نیاز به کمک‌های حمایتی برای یک سال دیگر دارند.

توزیع این مواد مورد نیاز، از کمک‌هایی که توسط کشور ایران و برخی نهادهای داخلی و خارجی به ولایت پنجشیر و کابل رسیده است، صورت می‌گیرد.

اما تا کنون که یک ماه از سرازیر شدن برف کوچ‌ها به پنجشیر می‌گذرد، کمک‌های رسیده به آسیب دیده‌گان به خصوص مردم ولسوالی پریان توزیع نشده است.

در همین حال، برف کوچ‌های شدید در ولسوالی پریان ولایت پنجشیر، زمینه‌های زراعت و مالدارانی را از بین برده است.

سه روز را برای بررسی وضعیت معیشتی و مشکلات مردم در ولایت پنجشیر سپری کردم و دریافتم که مردم ولسوالی‌های پریان و دره این ولایت، به کمک‌های بیشتری نیاز دارند. بیشترین آسیب‌ها به ولسوالی پریان وارد شده است.

بررسی وضعیت ولسوالی پریان نشان می‌دهد که زنده‌گی در این ولسوالی به خصوص در ساحات مورد هجوم برف کوچ‌ها، با مشکلات شدید مواجه است.

در آغاز وقوع حادثه گفته می‌شد که بیشتر از دوصد تن در این ولایت کشته شده باشند؛ اما با بررسی و بیرون کشیدن همه اجساد از زیر آوارها مشخص شد که تعداد کشته شده‌ها یک‌صد و چهل و هفت نفر بوده است.

هنوز راه‌های مواصلاتی آریب و خاوک، از روستاهای این ولسوالی، هنوز به گونه کامل باز نشده است و مردمان این دو دره، با مشکلات شدیدی مواجه اند و جاده اصلی

تخریب سیلاب‌های احتمالی آسیب‌های بیشتری را به این ولایت و ولسوالی‌های آن برساند.

مولانا عبدالرحمن کبیری، سرپرست ولایت پنجشیر به روزنامه ماندگار گفت که برف کوچ‌های اخیر، به زراعت و مالدارانی مردم در کل ولایت پنجشیر آسیب زده است. به گفته کبیری، سیلاب‌های احتمالی و دریاخیزی می‌تواند آسیب‌هایی به دار و درخت و زمین و خانه مردم در این



ولایت برساند. در همین حال، منابع در ولایت پنجشیر می‌گویند که سیلاب‌ها و دریاخیزی‌ها و فروریزی بخش‌هایی از کوه‌ها، احتمالاً راه‌های مواصلاتی را در روستاها و یگانه سرک پنجشیر را در برخی ولسوالی‌ها منهدم کند.

هم اکنون در چندین منطقه پنجشیر ریزش کوه سبب مسدود شدن راه و منهدم شدن سرک شده است.

سرپناه

مردم محل می‌گویند که امکان زنده‌گی در این منطقه‌های آسیب‌پذیر دشوار شده است و اگر مردم آسیب‌دیده به مکان‌های مناسبی انتقال داده نشوند، زنده‌گی دشواری را پیش رو خواهند داشت.

آسیب دیده‌گان در ولسوالی پریان ولایت پنجشیر در حال حاضر در پی کسب سرپناه هستند.

برخی باشندگان ولسوالی پریان از مناطق شان بیجا شده اند و در حال حاضر در دشت لنگرخان این ولایت، زیر خیمه‌ها زنده‌گی می‌کنند. برخی از این بیجا شده‌گان می‌گویند که از کمبود خیمه و دیگر لوازم یک زنده‌گی خیمه نشینی هم محروم اند.

شماری از این بیجا شده‌گان، در منطقه‌ای به نام «برجمن» در ولایت پنجشیر جا به جا شده اند و برخی هم در دوباره به ولسوالی پریان برگشته اند و برخی هم به بیرون از پنجشیر مهاجر شده اند.

شماری از بیجا شده‌گان اما در منطقه دشت لنگر خان در زیر خیمه‌ها باقی مانده‌اند. اما شماری از مهاجران ولسوالی پریان که تعدادشان به ده‌ها تن می‌رسد در دشت‌های باریک آب از مربوطات ولایت پروان مهاجر شده اند و در آنجا زیر خیمه‌ها زنده‌گی می‌کنند. این مهاجران نیز به کمک‌های اولیه نیازمند اند. تعداد دقیق بیجا شده‌ها مشخص نیست.

مردم بیجا شده از دولت می‌خواهند که برای آنان سرپناه بدهد تا بتوانند زنده‌گی شان را به شکل عادی به پیش ببرند.

مردم بیجا شده می‌گویند که

یک ماه بعد از حادثه طبیعی در پنجشیر خطر پابرجاست؛ ده‌ها تن مهاجر شده‌اند



نمی‌توانند دوباره در مناطقی که بیجا شده‌اند برگردند؛ زیرا آمدن برف کوچ‌های دیگر و ریزش سنگ‌های کلان از کوه‌ها و ریزش کوه و دیگر آسیب‌های طبیعی که در راه است، امنیت روانی آنان را گرفته است.

آنان می‌گویند که زراعت و مالدارانی شان از بین رفته است و باید در یک جای دیگر به آنان مسکن داده شود. اما سرپرست ولایت پنجشیر می‌گوید که این کار مربوط به مسوولان دولت وحدت ملی است تا در این زمینه‌ها توجه کنند.

به گفته والی پنجشیر، این مردم زراعت و مالدارانی شان را از دست داده اند اما مردم مال‌دار و زراعت پیشه اند و به جایی نیاز دارند تا بتوانند به مالدارانی و زراعت در آن بپردازند.

جنرال غیرت فرمانده امنیه ولایت پنجشیر نیز می‌گوید که کمک رسانی‌های اولیه به آسیب دیده‌گان تا حد امکان صورت گرفته است؛ اما برای ادامه زنده‌گی این بیجا شده‌گان باید یک توجه خاص از طرف رهبران دولت وحدت ملی صورت گیرد.

کمک‌ها

مسوولان در ولسوالی پریان پنجشیر می‌گویند که تا کنون کمک‌هایی که به آسیب دیده‌گان این ولایت صورت گرفته است، به مستحقین آن توزیع نشده است.

مردم نیز می‌گویند که هیچ کمکی که بتواند حد اقل زنده‌گی

محله آسیب دیده در دره تل= پریان



به بررسی بگیرند. در همین حال، منابع در پنجشیر می‌گویند در جلسه‌یی که دیروز در مقر ولایت برگزار شد، فیصله گردید که برای دو الی یازده هزار خانواده در سال ۱۳۹۴، مواد اولیه توزیع شود.

این کار به دلیل آن صورت می‌گیرد که مردم این ولایت در چند ولسوالی، بر اثر ریزش برف کوچ‌ها امکانات زراعتی و مال‌داری شان از دست داده اند و نیاز به کمک‌های حمایتی برای یک سال دیگر دارند. برف کوچ‌ها در ولایت پنجشیر یک ماه قبل به تاریخ شش ماه حوت سال ۱۳۹۳ صورت گرفته بود.

مردم بیجا شده می‌گویند که

آنان را کفایت کند درنیافته اند. به گفته مردم محل، برخی تاجران کمک‌های اندکی را به آنانی که اعضای فامیل شان را از دست داده اند رسانده اند؛ اما سایر مردم این ولسوالی که مستحق دریافت کمک اند، چیزی به دست نیاورده‌اند.

اما ولسوال پریان می‌گوید که کمک‌های اولیه‌یی که به این ولسوالی رسیده است، به آن حدی نیست که ما بتوانیم با توزیع آن قناعت همه‌گان را فراهم کنیم. او گفت که کمک‌های صورت گرفته را در ولسوالی حفظ کردیم تا بارسیدن برخی کمک‌های دیگر که در مرکز است، بتوانیم توزیع آن را به شکل درست آن انجام دهیم.

ولسوال پریان می‌گوید که دلیل تاخیر در رسیدن کاروان کمک‌ها به این ولسوالی، خرابی جاده و سرازیر شدن برف کوچ‌ها در چند قسمت راه است که سبب شده است

ورزش



پیشنهاد منچستر سیتی به آنچلوتی جدی است؟



بنا به ادعای نشریه گازتا دلو اسپورت، سران باشگاه منچستر سیتی برای سپردن هدایت تیم شان به کارلو آنچلوتی ابراز تمایل کرده‌اند.

کارلو آنچلوتی ایتالیایی که اکنون هدایت رئال مادرید اسپانیا را به دست دارد، در صورت پایان همکاری اش با این تیم باید به دنبال گزینه‌های مختلف خود برای مربیگری باشد.

بر اساس اعلام نشریه گازتا دلو اسپورت چاپ ایتالیا، آنچلوتی با سران منچستر سیتی گفت‌وگویی داشته تا جانشین احتمالی مانوئل پیگرنی شیلیایی باشد. روسای این باشگاه انگلیسی از آنچلوتی خواسته‌اند تا ۳۰ اپریل پاسخ آنها را بدهد.

درست است که قرارداد آنچلوتی با رئال مادرید تا جون ۲۰۱۶ اعتبار دارد اما ادامه حضور این مربی در سانتیاگو برنابو به جام‌هایی بستگی دارد که او برای تیم کسب می‌کند. فلورنتینو پرس، رییس باشگاه رئال مادرید هم چندی پیش در

گفت‌وگویی اعلام کرده بود هر اتفاقی که بیفتد، آنچلوتی تا پایان فصل جاری هدایت رئال را به دست خواهد داشت اما او از ادامه همکاری با این مربی سختی به میان نیاورد.

سرجیو راموس، کاپیتان رئال در مصاحبه با شبکه رادیویی ال لارگوئرو به حمایت از آنچلوتی پرداخت و گفت که سران باشگاه باید این مربی را برای فصل‌های بعد حفظ کنند. از سوی دیگر، سران سیتی می‌خواهند مربی‌ای روی نیمکت تیم شان بنشینند که بتواند آنها را به قهرمانی در لیگ برتر انگلیس برساند. کسب قهرمانی برای سیتی در این فصل بسیار سخت شده است. این تیم اکنون و در حالی که یک بازی هم بیشتر از چلسی انجام داده، ۶ امتیاز از آنها عقب افتاده و این در حالی است که تنها هشت هفته به پایان رقابت‌های لیگ برتر انگلیس باقی مانده است.

باید بگوییم یک ماه و نیم باقی مانده از رقابت‌های لیگ فوتبال اسپانیا برای کارلو آنچلوتی بسیار سرنوشت‌ساز است. رئالی‌ها در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا باید به مصاف اتلتیکو مادرید بروند و در لیگ اسپانیا هم دیدارهای بسیار سختی انتظار آنها را می‌کشد. رئال مادرید در لیگ هم با چهار امتیاز اختلاف نسبت به بارسلونا در رتبه دوم قرار دارد.

بر اساس اعلام نشریه گازتا، جانشینان آنچلوتی در رئال مادرید هم یورگن کلوپ آلمانی که اکنون هدایت بوروسیا دورتموند را به دست دارد و زین الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید کاستیا هستند.

افغانستان، عربستان را متوقف کرد

استقبال پر شور مهاجرین افغانی از تیم ملی



تیم ملی المپیک نپال، دیگر تیم حاضر در این گروه، عصر دیروز با قرعه استراحت به میدان نرفته است. در بازی های مقدماتی فوتبال المپیک و بازی افغانستان و عربستان اتفاق جالبی رخ داد.

نکته جالب این دیدار استقبال پر شور افغان‌ها از بازی تیم ملی کشور بود. حدود هشت هزار نفر افغانستانی مقیم ایران در ورزشگاه دستگردی حضور داشتند و تیم ملی کشور را تشویق کردند که تعدادشان از تماشاگران بازی ایران و فلسطین بیشتر بوده است.

دیدار تیم‌های فوتبال المپیک عربستان سعودی مقابل افغانستان با تساوی بدون گل دو تیم به پایان رسید. عصر دیروز رقابت‌های گروه سوم دور مقدماتی انتخابی المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو با انجام دو دیدار پیگیری شد. در دیدار نخست که از ساعت ۱۵ آغاز شده بود، تیم‌های ملی فوتبال المپیک عربستان و افغانستان به مصاف هم رفتند که در پایان این دیدار به تساوی بدون گل رضایت دادند. در حال حاضر، عربستانی‌ها با انجام دو بازی، چهار امتیازی شده و در صدر جدول قرار گرفته‌اند. افغانستان هم با سه بازی، چهار امتیاز کسب کرده است.

قاتلان فرخنده علنی...

این‌رو دادستانی کل روز شنبه بالای آن کار را آغاز خواهد کرد. البته باید گفت که هنوز هم برخی از مظنونین این قضیه، بازداشت نشده‌اند و فرار کرده‌اند. ارگان‌های کشفی برای ردیابی آنان تلاش می‌کنند و امیدواریم که آنان به زودی گرفتار شوند.

آقای صافی همچنان افزود که در قضیه قتل فرخنده، ۴۰ تن به عنوان متهمان اصلی شناخته شده‌اند که از این میان ارگان‌های امنیتی موفق به دستگیری ۲۹ تن شده و برای بازداشت متباقی آنان تلاش‌ها همچنان ادامه دارد.

فرخنده ۲۷ ساله که باشنده اصلی ولایت کاپیسا

تقریباً ۶۰ درصد درخت در پنجشیر نابود شد؛ ما با نهال‌شانی امروز می‌گوییم که پنجشیر را دوباره آباد می‌سازیم و هر کدام مادر بازسازی و آبادی آن سهم می‌گیریم و کمک‌های بیشتر را به آسیب‌دیده‌گان جلب می‌کنیم.

آقای مسعود تصریح کرد: «امیدواریم این نورو، سال نو و بهار نو، آغاز نوی باشد برای مردم پنجشیر و بازسازی آن. آغازی برای تقویت همدلی، همگرایی و دوستی‌ها و زدودن کدورت‌ها، دردها و رنجش‌ها. امیدواریم گردهم‌آیی نورو در محور زیارت‌گاه سالار شهید، سنتی گردد ماندگار برای دعای خیر و سعادت برای افغانستان و همه حوزه تمدنی مان.»

رییس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود افزود: برنامه نهال شانی را که امروز افتتاح کردیم، آرزو دارم ادامه همکاری و ساختن دوباره پنجشیر باشد و ما به وضعیت مهاجرین و کسانی که خانه‌های شان تخریب شده است، رسیده‌گی کنیم.

امتحان منحیت ملاک ارزیابی در تقرر تبدل، ارتقا و انفکاک خازنوالان منحیت یک اصل قبول نشده است؛ پس چگونه می‌شود که بدون موجودیت نص صریح قانونی، قشری از اقشار جامعه را به اجرای اموری مکلف نمود که مکلفیت قانونی ندارند.

برای اینکه به این مشکل و تنش فایق آمده نقطه پایان بگذاریم بهتر است که قانون تشکیل و صلاحیت خازنوالی منتشره جریده رسمی (۱۱۱۷) مورد باز بینی قرار گرفته تعدیلات و تزییدات بوجود آمده، پروسه ارزیابی از اعضا مسلکی شامل قانون تشکیل و صلاحیت خازنوالی گردیده با ترتیب یک طرزالعمل

این کمیسیون در حالی تشکیل شد که تا برگزاری انتخابات پارلمانی که مطابق قانون در ماه سرطان باید برگزار شود، کمتر از چهار ماه زمان باقی مانده است.

در همین حال، خانم بارکزی در مورد برگزاری انتخاباتی پارلمانی به وقت معین اش گفت: «با کمال تاسف که انتخابات پارلمانی در زمان که قانون اساسی افغانستان معین کرده برگزار نمی‌شود.»

او ادامه داد: به خاطری که تاریخ برگزاری هر انتخابات حد اقل شش ماه قبل معین می‌شود. مطابق قانون اساسی کشور ماه سرطان باید انتخابات

بیاید که باهم شنا کنیم...

اشرف غنی گفت: «بدون موجودیت پناهگاه، شورشگری طولانی مدت ممکن نیست. وقتی پناهگاه و مخفیگاه‌ها وجود نداشته باشند، صلح ظهور می‌کند. این چیزی است که در امریکای مرکزی، امریکای لاتین و افریقا اتفاق افتاده است.»

حمایت پاکستان هم در کشاندن طالبان به میز مذاکره و هم در ازبین بردن پناهگاه‌های شورشیان در مناطق قبایلی اساسی خوانده می‌شود.

طالبان هرچند گفته‌اند تا زمانی که نیروهای خارجی در افغانستان حضور دارند با دولت افغانستان مذاکره نمی‌کنند، اما اخیراً مقام‌های پاکستان از تمایل این گروه به مذاکرات صلح خبر داده‌اند.

اشرف غنی به کشتاری اشاره کرد که توسط طالبان در یک مکتب در پیشاور پاکستان صورت گرفت و ۱۵۳ قربانی به جا گذاشت و گفت که این حوادث در نزدیک ساختن دو کشور همسایه کمک کرده است. غنی گفت: «تروریست‌ها نه به پاسپورت ضرورت دارند و نه ملیت‌ها را می‌شناسند... من امیدوارم که ما خردمندی کافی داشته باشیم تا غرق نشویم بلکه باهم شنا کنیم.»

حکومت وحدت ملی شکست...

شان در قندهار و هرات فعال خواهد بود. داکتر عبدالله به صدای امریکا گفت سفر آنان به واشنگتن دست‌آورد‌های خوب داشته است.

آقای عبدالله عبدالله اضافه کرد با وجودی که تشکیل حکومت وحدت ملی یک صفحه جدید روابط میان دوکشور را باز کرده است، اما این سفر مهم بود تا با قانون‌گذاران امریکایی و سایر مقامات برای برطرف کردن «تصویر منفی» که قبل از حکومت وحدت ملی از افغانستان بجا مانده بود، ملاقات‌ها صورت می‌گرفت.

او گفت که در زمینه اقتصادی تفاهم‌نامه‌ی میان وزارت مالیه افغانستان و دارایی امریکا امضا شد که براساس آن واشنگتن پنجمصد میلیون دالر کمک تشویقی به افغانستان کمک کرد.

رییس اجراییه افغانستان می‌گوید افغانستان تاکنون در عرصه امنیتی، اقتصادی، و انکشافی از حمایت ایالات متحده برخوردار است. افغانستان به مرحله خود کفایی نرسیده و متکی به کمک‌های بین‌المللی و ایالات متحده در راس کشورهای کمک دهنده قرار دارد.

او گفت که امیدواری ما این است که حکومت وحدت ملی در ظرف ده سال آینده به اتکا در عرصه امنیتی و اقتصادی سوق بدهند.

آقای عبدالله عبدالله در مورد تشکیل حکومت وحدت ملی گفت: حکومت وحدت ملی نظر به ضرورت افغانستان به میان آمد و دلیلی برای ناکام شدن حکومت وحدت ملی وجود ندارد. با آنکه بحث‌هایی وجود دارد و در سطح هر حکومت داری وجود دارد. آقای عبدالله عبدالله مشخصاً گفت کسانی که در انتظار سقوط حکومت وحدت ملی استند، باید بگویم که انشالله به صورت کامل مایوس خواهند شد.

بود، به تاریخ ۲۸ ماه حوت، در ساحه مسجد شاه دو شمشیره شهر کابل به اتهام سوختاندن نسخه از قرانکریم، نخست از سوی مردان خشمگین بی‌رحمانه لت و کوب گردید و سپس جسدش به آتش کشیده شد.

قتل فرخنده، واکنش‌های گسترده داخلی و جهانی را به همراه داشت.

در عین حال، مولاناعبدالرحمن کبیری سرپرست ولایت پنجشیر، با ستایش از برنامه نهال‌شانی نوروژی به روزنامه ماندگار گفت: در این برنامه، همه بزرگان کاپیسا، پروان و پنجشیر اشتراک داشتند که همه به‌خاطر سرسبز شدن محیط زیست و گسترش این فرهنگ و همچنان نشان دادن وحدت و همدلی، یک نهال غرس کردند.

آقای کبیری با بیان این‌که آنان نیز همه ساله برنامه نهال‌شانی را در این ولایت راه‌اندازی می‌کنند، گفت که این نخستین برنامه نهال شانی در پنجشیر است که چنین گسترده و بزرگ برگزار می‌گردد.

سرپرست ولایت پنجشیر با اشاره بر خسارات برف‌کوچ‌های اخیر در این ولایت گفت: اضافه از ۶۰ درصد زراعت مردم پنجشیر زیان دیده و ما برای رسیده‌گی به این مشکلات در هم‌آهنگی با نهادها و وزارت‌های مربوطه برنامه‌هایی داریم تا به مردم زیان دیده کمک برسانیم.

جامع مرجع تطبیق‌کننده این پروسه با در نظرداشت ماده (۱۳۴) قانونی اساسی مشخص گردد تا از یکطرف هدف مقامات صلاحه مبنی بر اصلاح ادره بر آورده شده و از طرف دیگر اصل استقلالیت اجرائت خازنوالی نیز زیر سوال نرود.

با احترام
خازنپال عبدالهواب کریمی
ریس خازنوالی نظارت بر ارگانهای تحقیق و عضو
انجمن خازنوالان ج.ا.ا.

پارلمانی برگزار شود اما ما به قدر کافی وقت نداریم. خانم بارکزی تاکید کرد که کوشش نهایی کمیسیون اصلاحات این است که راه را برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه که حداقل برای برگزاری انتخابات پارلمانی نظریات ارائه کنند.

براساس توافق نامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی، قرار بود کمیسیون اصلاحات انتخاباتی بزودی پس از شکل گیری حکومت، براساس یک فرمان رییس جمهور تشکیل شود؛ اما اکنون، این کمیسیون تقریباً با شش ماه تاخیر ایجاد شده است.

چرا چنین شد و چه باید شود



جنگ‌های خانما نسوز که در سه دهه اخیر دامن‌گیر کشور ما است، بر علاوه تخریب و محو هستی مادی و معنوی جامعه، پدیده شوم فساد را شامل جامعه ما ساخته که نه کسی دیده بود و نه شنیده؛ امروز ما همه دچار این مشکل هستیم، این اصطلاح زیب سخنرانی و میز خطابه هر پاک و ناپاک، هر ذیصلاح و بی‌صلاحیت، هر کار دارد و بی‌کار و هر غرضدار و بی‌غرض گردیده است، همه گلو پاره می‌کنند، ذیصلاح لاف از مازنه می‌زند و مقهور فساد داد از فساد، و در پایان هیچ و ما همان‌گونه در فساد غرق هستیم. سیزده سال به همین منوال گذشت، هر روز بدتر از دیروز.

آنهایی که واقعاً مورد خشم فساد قرار گرفته اند، حق داشتند و دارند که از فساد بنالند، چیغ بزنند و دادخواهی نمایند. ولی، آن کسانی که از فساد صدها میلیون دالر پول اندوخته‌اند، مارکیت‌ها و بلند منزل‌های غیر قانونی ساخته‌اند، ساحات سبز را ربودند، مافیای زمین، چپاول‌گران بانک‌ها، دزدان، قاتلین، رهزنان، گروگان‌گیران، اختطاف‌چیان، غاصبین، خاین و جاسوس استند، نیز داد می‌زنند.

کسی از قاضی می‌نالند و کسی از خارنوال، کسی از مامور مینالد و کسی از مدیر، کسی از معلم مینالد و کسی از وزیر؛ دیگری هم از پولیس و من هم از تقدیر بد خود.

فساد و پاک چنان ترکیب شده که تشخیص را بر همه مشکل نموده است. این مشکلات دامنه دار ادامه داشت و دارد.

تغییر رهبری حکومت یکی از امیدها بود و هست و یکی از وعده‌های کمپاین انتخاباتی هردو تیم بعد از کامیابی، مبارزه علیه همین پدیده شوم بود، خوشبختانه هردو تیم کامیاب شد مگر تا هنوز جز از ما از هیچ کسی نپرسیدند که در پیشانی چند خال داری و از هیچ کسی نپرسیدند که تو دیروز هیچ نداشتی و امروز اینقدر سرمایه را از کجا بدست آورده‌ای؛ این مارکیت‌ها و بلند منزل‌ها را چطور در ساحات سبز و غیر قانونی آباد نمودی؛ هزاران جریب زمین را چگونه و چطور غصب و بفرش رساندی، ساحات سبز را چگونه به ساحات تجارتنی تبدیل نمودی؛ هزاران چرا و چطور دیگر، همچنان هیچ کسی نه گفت قسمت عمده کمک‌های جامعه جهانی چگونه به کام مافیا رفت، هیچ کسی بر مزار هشتاد تن خارنوال که در راه تطبیق قانون ترور و شهید شدند، فاتحه نخواند و دعا مغفرت ننمود، بلکه بار تمام ملامتی بدوش خارنوال و خانوالی افتید، راست است که گفته اند (گال را گنجشک خورد و لت را بونده). نمیدانم شاید در جمع ما نیز چنین اشخاصی باشد و ما نیز سزاوار چنین طعن

و لعن باشیم که همه ما را فاسد خطاب بدارند (والله اعلم)

درست است کاری باید می‌شد و در راستای مبارزه با فساد قدم‌هایی برداشته شود.

به این منظور مقامات ذیصلاح تصمیم گرفتند اصلاحات را از اداره خارنوالی آغاز بدارند که روی این هدف خارنوالان غیرلیسانس و شرعیات به اداره امور مطالبه گردیدند تا به امتحان شمولیت ورزند. مگر خارنوالان به استناد براینکه در قانون تشکیل و صاحت خارنوالی هنگام تقرر و تبدل، ارتقا و انفکاک، امتحان پیشینی نشده، امتحان را غیر قانونی دانسته از شمولیت به آن سرباز زدند مگر متاسفانه عوض جستجو و دریافت یک راه معقول قانونی، به قول اخبار تلویزیونی طلوع خارنوالان را جاهل و نادان خطاب نمودند که این کلمات باعث تحریک احساسات شان گردیده به مشکلات بیشتر افزوده تا جائیکه دیده می‌شود این پروسه خواست شخصی یک شخص به منظور انفکاک تعداد از خارنوالان تحت نام امتحان و جابجائی اقوام و دوستان اش در خارنوالی است.

قضاوت در مورد ادعا مشکل است زمان حقیقت و عدم آتراً ثابت خواهد ساخت. اگر یک طرزالعمل درست وجود می‌داشت و هدف و پیامد آن معلوم می‌بود شاید چنین مشکلی بروز نمی‌کرد.

گرچه در رابطه به سپری نمودن امتحان کدام متن قانونی در قانون تشکیل و صلاحیت خانوالی صراحت ندارد اما اگر مقامات محترم به اخذ امتحان قاطع بوده و در دستور کارشان قرار داشته باشد در زمینه باید موارد ذیل را در نظر می‌گرفتند تا باعث چنین معضله نمی‌گردید.

۱- در رابطه باید یک طرزالعمل ترتیب گردید و بعد از مشاوره با اداره لوی خارنوالی، وزارت عدلیه و سایر نهادهای عدلی و حقوقی در معرض تطبیق قرار

می‌گرفت.

۲- مبنای قانونی امتحان درج طرزالعمل می‌گردید.

۳- هدف از پروسه اخذ امتحان تشریح و توضیح می‌شد.

۴- چگونگی اخذ امتحان و کمیسیون ذیصلاح آن توضیح می‌گردید.

۵- چون هر پروسه دارای پیامد‌های نسبت به مشمولین آن است بناً نتیجه آن در مورد خارنوالانیکه نمره معیاری را پوره نمی‌نماید چیست؟ واضح می‌گردید.

۶- پیامد این پروسه در رابطه به تکمیل خلاء ایجاد شده که در نتیجه تطبیق این روند به میان می‌آید باید واضح می‌شد. فرض می‌نمایم اگر از جمله شرکت کنندگان این امتحان یک کتله مسلکی ۸۰۰ یا ۱۰۰۰ نفری آنها نمره معیاری را پوره نموده منفک گردند این خلاء چگونه و به چه ترتیب تکمیل گردد. زیرا اداره خارنوالی یک اداره خاص مسلکی بوده و مسلک خارنوالی نهایت ظرفیت توأم با باریک بینی است که بر علاوه تحصیل مستلزم تیز هوشی و تجربه کاری مسلکی چندین ساله بوده و است.

۷- تطبیق این پروسه باید در مدت زمان چندین ساله در نظر گرفته می‌شد تا خلا به وجود آمده آنقدر بزرگ نمی‌بود که ضرر آن بر مفادش بیشتر شود مگر متاسفانه پروسه متذکره بدون داشتن یک دستورالعمل شروه شد تا به این معضله رسید.

حالا هم دیر نیست باید منطقی اندیشید نه عجولانه و سطحی، سرنوشت حدوداً (۱۸۰۰) خارنوال و اداره خارنوالی دربین است، هرکدام حداقل تجربه بیشتر از ده سال دارند.

بر می‌گردیم به قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی ج.ا.ا. در ماده (۲۹) قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی طرزالعمل تقرر و تبدل ارتقا و انفکاک خارنوالان تشریح و تسجیل و مراجع ذیصلاح پیشنهاد کننده، تصویب کننده و...

ادامه صفحه ۷

رییس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی:

انتخابات پارلمانی به وقت معین

برگزار نمی‌شود



رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی میگوید هر فرد و یا نهادهای ملی و بین‌المللی که پیشنهاداتی در زمینه آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور دارند، باید به این کمیسیون مراجعه کنند. شکرپه بارکزی در صحبت به خبرگزاری جمهور گفت: «ما خواهش داریم که هر فرد یا نهاد ملی و بین‌المللی که پیشنهادات بر آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی دارند لطفاً به ما مراجعه کنند و همکاری باشند».

خانم بارکزی افزود: قبلاً تمام نهادهای ملی و بین‌المللی پیشنهادهای معین و مشخصی را داشته اند و کمیسیون نیز کار خود را بر مبنی نظریات، همه پرسى و نظرخواهی با اقشار، احزاب و نهادهای جامعه مدنی، نهادهای زنان و شخصیت‌های خیر کشور به پیش می‌برد. از این لحاظ، این کار تنها برعهده کمیسیون نیست بلکه یک پروسه ملی است.

به گفته وی، کمیسیون اصلاحات انتخاباتی وظیفه دارد براساس اصلاحات در قوانین، لویایح و طرزالعمل‌ها، راه حل را به منظور اصلاح نظام انتخاباتی در سه مرحله ای کوتاه مدت برای انتخابات شوراهای ولسوالی و ولسی جرگه، میان مدت برای انتخابات ریاست جمهوری و درازمدت برای مجموع انتخابات‌های که افغانستان ضرورت دارد، به رییس جمهور و رییس اجرائیه پیشنهاد کند.

رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی تاکید ورزید: «ما می‌خواهیم به طرف اصلاحات برویم و این اصلاحات باید همه جانبه و بنیادی باشد به خاطریکه انتخابات در افغانستان یک روند شفاف، سرتاسری و ملی برای تعیین زعامت سیاسی مردم باشد ما جدأً به آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی افغانستان ضرورت داریم تا اعتماد مردم دوباره تازه شود و ما به طرف انتخابات‌های بعدی برویم».

خانم بارکزی ابراز امیدواری کرد که کمیسیون؛ مکانیزم عملی، همه جانبه و مبتنی بر اصلاحات نظام انتخاباتی که مردم بالایش اعتماد کنند و به قوت مردم بدون تقلب و تخلف پیش برود، پیشنهاد دهد....

ادامه صفحه ۷

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از ۱ الی ۳ روز	از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف	برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف
۱	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	60 \$	48 \$	36 \$
۲	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۳	بندر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	70 \$	56 \$	42 \$
۴	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	350 \$	280 \$	210 \$
۵	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	100 \$	80 \$	60 \$
۶	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۷	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز 400 \$	برای 14 روز 600 \$	برای 30 روز 1200 \$